وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

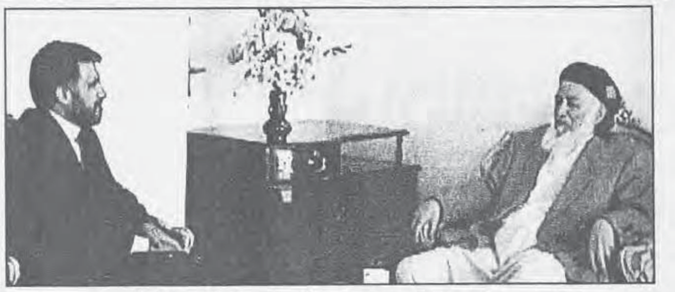
دور ششم سال اول شماره ٤٦ چهارشنبه ۹ میزان ۱۳۸۲ ٤ شعبان المعظم ١٤٢٤ - First October 2003

سرمقاله

چگونه می توان درافغانستان ثبات آورد؟ ص۲

سرنوشت جامعهٔ مدنی در افغانستان ص۳

زیر پوست سیاست های جاری ص۲



استاد در دیدار با سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل:

کمک ایران در امر بازسازی افغانستان در خور اهمیت می باشد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت قبل از ظهر روز سه شنبه با آقای بهرامی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل .در اقامتگاه شان ملاقات دوستانه یی انجام دادند.

استاد ضمن یاد کرد از روابط دوستانه میان مردم افغانستان و مردم ایران گفتند:کشور ایران در سال های جهاد ومقاومت ملی مردم ما علیه طالبان و در مبارزه علیه تروریزم در کنار مردم افغانستان بوده است . کمک ایران در امر بازسازی افغانستان در خور اهمیت می باشد.

آقای بهرامی دراین ملاقات با تأکید بر مساعدت جمهوری اسلامی ایران در بازسازی افغانستان و ایجاد پروژه های کاری .از استمرار همکاری در بازسازی افغانستان وتوسعهٔ روابط دوستانه میان دو کشور اطمینان داد.

مسودهٔ قانون اساسی طی دو هفتهٔ آینده به دسترس همگان قرار خواهد گرفت



این مطلب را آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان هنگام بازدید از دانشگاه کولمبیا در ایالات متحدهٔ امریکاییان داشت.

به اساس گزارش رادیو بی بی سی که ساعت ۷ صبح ۴ میزان به نشر رسیده است:

"حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در کنفرانسی در دانشگاه کولمبیای امریکا گفت: پیش نویس قانون اساسی جدید کشورش تا یکی دو هفتهٔ دیگر انتشار خواهد یافت"هر چند برخی رسانه ها گفته اند این پیش نویس قبل از آن که بدسترس مردم افغانستان قرار گیرد به ایتالیا و بعضی کشور های دیگر رسیده است ومتن کامل آن هم اکنون در اختیار برخی رسانه های معتبر خبری جهان قرار دارد، ولی با وجوداین همه اظهارات آقای کرزی را خبر خوشی تلقی باید کرد که سرانجام بعد از انتظار طولانی اعلام شد. ص۳

جهان چند تمدنی جنگ تمدنها یا گفتگوی تمدنها؟

ص۶



معاون سیاسی لخضر براهیمی با استاد ربانی در پیرامون مسایل عمدهٔ سیاسی گفتگو کرد

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت روز یکشنبه آقای ژان آرنو معاون سیاسی لخضر براهیمی را جهت ملاقات در اقامتگاه شان به حضور پذیرفتند.

در این ملاقات طرفین پیرامون مسایل حاد سیاسی وملی تبادل نظر کردند. در آغاز آقای ژان آرنو از مهیا شدن زمینهٔ ملاقات با استاد اظهار امتنان نموده گفت:ما به مشوره های شما ارزش قایلیم و علاقمند هستیم پیرامون مسایل عمدهٔ سیاسی مشوره های مناسبی انجام دهیم.

استاد ربانی طی این ملاقات ص۳

سخنگوی طالبان مسؤولیت قتل های اخیر در ولایت هلمند را بر عهده گرفت

در برنامهٔروز چهارم میزان رادیو آزادی به نقل از آژانس خبر رسانی رویتر گفته شد:

"ملا عبدالصمد یکی از کارکنان استخبارات طالبان در پاسخ به این پرسش که چرا طالبان اعضای امداد رسان مؤسسات خارجی را به قتل می رسانند گفت:

"تمام اعضای سازمانی امداد رسانی برای عیسویت تبلیغ می کنند، و برای منافع آمریکایی ها فعالیت ص۳

منشی عمومی ناتو:

افغانستان یک کشور بسیار مهم، استراتژیک وبا اهمیت به حساب می آید

رابرتسن منشی عمومی ناتو پس از ورود به کابل وملاقات با مارشال فهیم وزیردفاع وجلالی وزیرامورداخلهٔ کشور غرض بازدید و ملاقات با رهبران کشورهای ازبکستان و تاجکستان واردآسیای میانه شد.

در کنفرانس مطبوعاتی یی که رابرتسن در دوشنبه مرکز تاجکستان بر گزار کرد. تقریباً همان مطالبی را بیان داشت که در کابل با روزنامه نگاران و ژورنالیستان بیان داشته بود: نکات برجسته و اساسی اظهارات آقای رابرتسن را که ساعت شش شام ۶ میزان از طریق صدای آمریکا به نشر رسید این سخنان تشکیل میداد:

قوت های حافظ صلح ناتو تا زمانی در افغانستان باقی خواهند ماند،که یک حاکمیت ملی و اردوی ملی در این کشور به میان نیامده باشد."

منشی عمومی ناتو نه گفت این مدت که ، ص۳

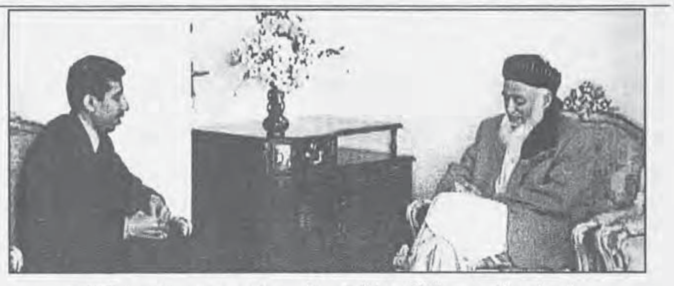
بحران عراق به کجا می رود؟

مجتبی مهرورز

جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا طی سخنرانی خویش در سازمان ملل متحد برادامهٔ پالیسی کشورش مبنی برادامهٔ اشغال عراق تأکید ورزید، وعلی الرغم خواسته های جامعهٔ بین المللی از لشکرکشی بدون اجازهٔ شورای امنیت نه تنها معذرت نخواست که حتی حاضر نگردید دیگر کشورها را در سایهٔ قدرت خویش در عراق سهیم سازد.

عده یی از تحلیلگران براین باورند که درپی افزایش روز افزون عملیات پارتیزانی در عراق، تا پایان سال روان میلادی سرانجام امریکا تن به تقسیم قدرت خواهد داد ودیگر کشور ها را نیز در قدرت سهیم خواهد ساخت.

جرمنی وفرانسه تأکید برواگذاری قدرت سیاسی به شورای دست نشاندهٔ امریکا در عراق دارند اما امریکا تاهنوز حاضر نیست قدرت را به این شورا تسلیم نماید ولی روز گذشته کولن پاول اعلان نمود که کشورش حاضر است درپی تصویب و تدوین قانون اساسی جدید وبرگزاری انتخابات سراسری در عراق قدرت را به حکومت جدید تحویل دهد وی تأکید کرد که قانون اساسی جدید باید در مدت شش ماه تکمیل گردد. مدتی که اکمال قانون در آن مدت، امکان پذیرنیست واین خودبهانه یی خواهدبودبرای تداوم اشغال عراق. ص۸



استاد ربانی در ملاقات با شارژدافیر سفارت عربستان در کابل:

کمک عربستان سعودی برای مردم ما با ارزش و فراموشی ناشدنی است

استاد برهان الدین ربانی ،رهبر جهاد ومقاومت روز دو شنبه با آقای عبدالله فهد القحطانی شارژدافیر سفارت عربستان سعودی در کابل ملاقات دوستانه یی انجام دادند.

درا ین ملاقات استاد از مناسبات دیرینهٔ افغانستان باعربستان سعودی یادآوری نموده گفتند:کمک های بی شایبهٔ ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۳۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

چگونه می توان در افغانستان ثبات آورد؟

این پرسشی است که تمامی تلاش های ملی وبین المللی برای پاسخ دادن به آن ویا به بهانهٔ پاسخ دادن به آن انجام می یابد. پایهٔ همه فعالیت های بین المللی و بسیاری از تلاش های درونی در افغانستان را از دیر باز مسألهٔ بحران زدایی و اوردن ثبات و امنیت دراین کشور می ساخته است که روند ان پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر در سطح جهانی شتاب بیشتر گرفت.

برای زدودن بحران و تأمین ثبات در جامعهٔ جنگ زده افغانستان عواملی زیاد شناسایی و مورد نظر علاقه مندان قرار گرفته است. در پهلوی مبارزهٔ مسلحانه بر ضد تروریسم و بقایای طالبان توسط دولت افغانستان و نیروهای ائتلاف بین المللی و ایساف، مسالهٔ باز سازی ویرانی های جنگ و زیر ساخت اقتصاد افغانستان و توجه به اموزش وپرورش وبهتر کردن سطح زندگی مردم و تأمین ازادی های مدنی برای شهروندان و تسریع روند دموکراسی در زمینه سیاست و دولتمداری و... از بارزترین نمادهای عوامل ان معرفی شده است. وبه باور ما همه عوامل بی ثباتی در افغانستان به دو عامل بیرونی ودرونی مداخلات خارجی ونبود یک نظام مردمی بازمی گردد.

انتظار می رفت که ادارهٔ موقت وسپس دولت انتقالی اسلامی در دورهٔ کارش این عامل های ثبات را پی ریزد و کشور را به سوی ثبات راستین وپایدار راه اندازد اما اوضاع پس از نزدیک به دو سال چنان که دیده می شود تحولی چندان در جهت تحقق این هدف ها ندیده است. به اعتراف بسیاری از منابع بی طرف بین المللی باوجود صرف بیش از دو میلیارد دلار از کمک های جامعهٔ جهانی اثاری ملموس از باز سازی در زندگی مردم دیده نمی شود و نه تنها در سطح زندگی عامهٔ مردم تحولی به وجود نیامده که در بسا از موارد به دلیل شرایط تازهٔ زندگی دشواری هایی نو به وجود امده است که قلت مسکن و افزایش اجرت منازل ونارسایی خدمات اساسی در شهر ها و... بدان ها افزون گردیده است. در زمینه تامین ازادی های اجتماعی و حقوق انسانی و تسریع روند دموکراسی وضع بهتر از موارد پیشین نیست و در زمینه قطع مداخلات خارجی نیز توفیقی بایسته به دست نیامده است. روشن ترین دلیل این سخن تقاضای رئیس دولت درمجمع عمومی سازمان ملل مبنی برگسترش نیروهای ناتو به سایر ولایات افغانستان در هفته گذشته و در پی آن اظهارات ژنرال لورد رابرت سن دبیر کل سازمان ناتو است که به گونه یی استقبال امیز از خواست رئیس دولت تعبیر شده است.

مردم به این باور شده اند که انچه به نام دموکراسی و ازادی های اجتماعی نامبرده می شود جز به عنوان حربه یی سیاسی در دست جناح ها و گروه هایی ویژهٔ بهره مند از حمایت بیرونی به کار نمی رود که اثر گذاری نیروهای بیرونی برکار لویه جرگه اضطراری و روند شک الود کار تدوین و تدقیق قانون اساسی مصداقیت این هدف نبیل را نیز سخت آسیب رسانیده است.

آنچه به نام اصلاحات ودگرگونی در ساختار های اردو و پلیس به وجود امده بسیار ناشیانه و روبنایی بوده است که هرگز پاسخگوی راستین نیازمندی های جامعهٔ افغانستان نیست.

این سخن به این معنی نیست که افغانستان به یاری و همراهی جامعهٔ جهانی نیاز ندارد. بی تردید افغانستان نمی تواند به عنوان تافته یی جدا بافته در عزلت از جهان وجامعهٔ جهانی امروز زندگی کند و اهداف وچشم اندازهایی مشترک با آن نداشته باشد، به ویژه افغانستان جنگ زدهٔ بحران کشیدهٔ نیازمند به همه چیز. اما راهی را که تا هنوز جامعهٔ جهانی در این راستا طی کرده است بسیار اشتباه امیز بوده است.

مردم افغانستان اکنون به این باور رسیده اند که جامعهٔ جهانی و در رأس آن ایالات متحدهٔ امریکا در افغانستان به جای دوستی و یاری رسانیدن به مردم این کشور در پی افراد و گروه هایی ویژه گام بر می دارد که آنان در بریدگی از فرهنگ و باور جامعه قرار دارند و جز پرداختن به خویشتن نمی توانند کاری به سود مردم و کشور انجام دهند.

لاجرم اینان نه تنها نمی توانند به تأمین ثبات در کشور کاری انجام دهند که موجبات افزایش بی ثباتی وبحران را نیز فراهم اورده اند.

یگانه راه تأمین ثبات در داخل کشور ویاری رسانیدن به صلح وامنیت جهانی در افغانستان این است که جامعهٔ جهانی واقعاً در پی ایجاد ساختارهای ملی ونهادهای دموکراتیک بکوشد که مردم آنها را مظهر اراده ونماد فرهنگ وباور خویش بدانند وبرآنها اعتماد کنند.

شاید کسانی هم در داخل افغانستان وهم در بیرون از ان وجود داشته باشند که جهان را از به وجود آمدن یک چنین وضعیتی در این کشور بیمناک سازند اما باید توجه داشت که هرگز نظامی مبتنی برخواسته ها وباور های مردم در افغانستان برای هیچ کس خطری ایجاد نخواهد کرد. ولی نظام مزدور ووابسته هموار هم برای افغانستان وهم برای جهان در این سرزمین خطر آفریده است.

ناکامی های دولت انتقالی ناشی از اشتباه اثر گذاران برسرنوشت جامعهٔ مابوده است وان اشتباه از آن جا شدت گرفت که در لویه جرگهٔ اضطراری از به وجود امدن یک ساختار مردمی جلوگیری به عمل امد وبه جای مردم تکیه برافراد صورت پذیرفت.

ما باور داریم تاامور کشور مجرای طبیعی خود را در نیابد ثبات وامنیت نضج نمی گیرد وان را نیز نمی توان باافزایش نیروهای رزمی وامنیتی به چنگ اورد. چه بساکه افزایش نیروهای نظامی در بساط افغانستان افزون به برداشت هزینه های مالی فراوان ـ که باید ان صرف بازسازی گردد ـ باایجاد عارضه های طبیعی، خود به دامن زدن به عوامل بحران وبی ثباتی کمک کند.

زیر پوست سیاست های جاری

نایل لاجوردین شهری

همانگونه که توضیح، تشریح وشفاف ساختن سیاست های داخلی وروش ها ومستدهای به کارگیری مجموعهٔ این سیاست ها در کشور، به افکار عمومی ضرورتی مبرم است تاهمه شهروندان در جریان قرار گیرند وسمت و سوی مقصود روند عمومی سیاسی ومنزل نهایی آن را بدانند، جدی است که بدانند سیاست ها ودیپلوماسی خارجی ما که برآیند وتداوم سیاست داخلی محسوب می شود چگونه است و از چه ماهیتی برخوردار است وجایگاه جهانی وبین المللی آن کدام است؟ وبه اصطلاح بفهمند که زیر پوست سیاست های جاری چگونه "آبی" روان است وچارچوب معین وامکانات توسعه وفعالیت ماهیتی وجغرافیایی عملکرد آن چیست وکدام است؟ آیا دیپلوماسی عمومی کشور طی سه دهه مشغول "کلاه گذاری" به سردیگران بود ویا سیاست های خارجی مشغول کلاه گذاری بر سرما بود مگردستگاه دیپلوماسی ما بود که تصمیم می گرفت وعمل می کرد واز سیاست های واکنشی احتراز می کرد وبا سیاست مضبوط وروشمند مربوط به خویش مقتدرانه وجسورانه عمل می کرد یابرخلاف، دیپلوماسی خارجی یعنی سیاست های منطقه یی وجهانی تصمیم گیرنده بود ودستگاه دیپلوماسی کشور تابع ودنباله رو مجموعهٔ آن تصمیم ها وسیاست ها بود وسؤالاتی متنوع ، متعدد ومختلف دیگر ازاین قبیل مطرح است .

عمده ترین سوالی که راجع به چگونگی ماهیت وساختار دستگار دیپلوماسی کشور طی سه دهه اخیر مطرح است شاید یکی اتخاذ سیاست های بد با اجراات بدتر از آن باشد که هر ازگاهی نمودارهای منفی وغیر کار آمدی آن ظاهر می شده وناروشمندی وفرتوت بودن آن سیاست های متخذه ومستدهای مستجمد آن را سره‌الا مسیر خرده است ودو دیگم مبهم ومتحرک بودن سیاست ها توام با تناقض وتضاد آن ها واتخاذ مواضع واقعاً تناقض آمیز ومختلف وناسازگار در عرصهٔ بین المللی و در رابطه با مسایل مختلف، کشورهای منطقه وجهان بشمار می رود که هرروزه دگرگون شونده وتغییر پذیر وملامت بارند اما آنچه که واقعاً هستهٔ اصیل روش های متخذه در دیپلوماسی سه دهه را تشکیل داده ومی دهد وباعث سردرگمی، عدم اطمینان وعدم ثبات در روند کلی سیاست کشور می شده است، شاید جنبه های پنهانی، پوشیده وزیر پوست کارشناسی های سیاسی وگرایشهای مکتوم متخصصانه وپنهانکاری هایی از این دست باشد که موتورسیاسی کشور را در لحظه یی به جانب های مختلف، متضاد ومتناقض سوق وسمت می داده است تانتایج وفرآیندهای متنوع واصطکاک پذیری از آن حاصل می شده است.

به هر حال در شرایط جدید آنچه ملت ما وجامعهٔ ما می خواهد بفهمد آن جنبه از توانستن ها وکارآیی های سیاسی مربوط به این دستگاه است که طی این مدت واقعاً مدید وطولانی در عرصهٔ تجربیات دیپلوماتیک جهانی مورد آزمایش وتجربه قرار گرفته وباموفقیت از آن دادوستدهای سیاسی بیرون آمده است، در حالی که آنچه از نتایج حاصل آمده ازاین همه فعل وانفعالات نصیب فهم ها وادراکات گردیده مشتی از نابسامانی و انارشیسم غیر قابل تحلیل وسردرگمی سیاسی بوده است ولا غیر .

[illegible] می شود [illegible] طی سه دهه [illegible] سیاست کشور [illegible] [illegible] سیاهکاری، پنهانکاری، [illegible] وبازی های بزرگ بوده است ومتاسفانه تجربیات مخدوش ونگرانی [illegible] مورد آزمون قرار گرفته وخطوط معین وهندسهٔ دیپلوماسی معین گاهی تجربه نشده است.

چارچوب بازی های بزرگ در منطقه وجهان ورابطهٔ آن باکل سیاست خارجی کشور طی سه دهه وعدم تبیین وتوضیح وارایهٔ آن به افکار عمومی سؤالات غریب وشگفت آوری را درمیان اقشار مطلع اعم از روشنفکران وکارگزاران ایجاد کرده وباعث نفرت ونگرانی همگانی شده است.

پژوهش وبررسی ادارهٔ سیاسی دیپلوماتیک سایرکشورها اگر از انتظام مقدمه های بانتیجه وفرود وفرازهای معین بانتایج معین وقابل پیش بینی سخن می گوید بدبختانه هرج ومرج سیاسی، ناکارآیی، عدم تناسب، موجودیت تناقض در گفتمان سیاسی وعملکرد های سیاسی از مشخصات بدون تردید ادارهٔ سیاسی کشور طی این همه مدت محسوب می شود.

مگر تحولات جدید پدید آمده در کشور می توانند مقتدرانه وجسورانه نمایی از تاریخچهٔ سیاسی کشور طی سه دهه را وچگونگی ادارهٔ سیاسی وراهکارهای مربوط به آن را برای افکارعمومی آن گونه که بوده وهست توضیح، نشر وارایه دهد ودلائل پوشیدهٔ ناکامی ها وعدم موفقیت های این سیستم سیاسی را معرفی [illegible] نمی تواند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] افکنده واداره [illegible] شده وراهکارهای قابل بررسی تدوین وارایه [illegible] شهروندان به ویژه روشنفکران وکارگزاران بتوانندبه سهولت سرحرکت سیاسی کشور را بشناسند وباتلقی ویژه وفهم ها وادراکات ویژهٔ سیاسی موجود در جامعه بتوانند به نقد وانتقاد وبازسازی دیپلوماسی کشور بپردازند وآراء ونظریات سیاسی خود را منتقدانه دراختیار مطبوعات قرار دهند تادر سالم سازی ودیگرسازی دستگاه دیپلوماسی ممد ومؤثر واقع گردد.

چه، سیاست های مبهم، پوشیده وپنهانکارانه، سیاست کشور را درانحصار فهم عقل های چندگانه قرار می دهد واز توسعه وتکامل آن جلوگیری می کند وباعث دیکتهٔ سیاسی وعدم توزیع سیاست وقدرت درمیان ملت می شود ونهایتاً منجر به استبداد رأی ودیکتاتوری می گردد، درحالی که عرضه وارایهٔ سیاست مشخص، واضح ومعین به عقل های بی شمار وادراکات سیاسی فراوان درمتن جامعه حق می دهد تالیاقت ها و استطاعتهای خود را درمورد این مسأله به آزمایش گیرند تانتایج تجربیات سیاسی اذهان وعقلهای فراوان باعث تکامل وارتقای سیاست ملی وخارجی ازیک طرف ورفع وطرد احتمالی گرایش های استبدادی وارتجاعی از سوی دیگر گردد.

> **دپلوماسی خارجی یعنی سیاست های منطقه یی وجهانی تصمیم گیرنده بود ودستگاه دپلوماسی کشور تابع ودنباله رو مجموعهٔ آن تصمیم ها وسیاست ها بود**

> **هستهٔ اصیل روش های متخذه در دپلوماسی سه دهه را تشکیل داده ومی دهد وباعث سردرگمی، عدم اطمینان وعدم ثبات در روند کلی سیاست کشور می شده است، شاید جنبه های پنهانی، پوشیده وزیر پوست کارشناسی های سیاسی وگرایشهای مکتوم متخصصانه وپنهانکاری است**

سر نوشت جامعۀ مدنی در افغانستان ۲

عبدالعلی کوهی / استاد فاکولتۀ ادبیات

تهاجم شوروی سابق در دسمبر ۱۹۷۹م مهم ترین بحران پس از جنگ جهانی دوم بود و موجب درگیری های شرق و غرب را فراهم ساخت.

جهاد و مقاومت با حمایت جامعهٔ بین المللی مردم افغانستان به پیروزی رسید و قوای اشغالگر ومتجاوز شوروی در ۱۰ فبروری ۱۹۸۹م با آخرین قوۀ آن سر افگنده از افغانستان خارج گردید و مقاومت قهرمانانۀ این ملت یکبار دیگر به جهانیان ثابت گردید.

در طی سال های ۱۳۵۷-۱۳۷۰ هـ ش جامعهٔ مدنی به مفهوم مدرن و متعارف آن در افغانستان وجود نداشت، نفوذ دولت و مداخلۀ روز افزون آن در امور جامعه مدنی مؤسسات و سازمان های مدنی به تدریج آزادی های خود را از دست داده و به بخشی از نظام سیاسی حاکم مبدل گردید. به خصوص در دوران دهه ۱۳۶۰ (۱۹۸۱-۱۹۹۰). درطی این مدت در پهلوی اتحادیه های حزبی مربوط به نظام حاکم در چوکات وزارتخانه ها و در امتداد بیروکراسی دولت اتحادیه های صنفی، انجمن های فنی و دیگر سازمان ها تشکیل گردید. در جو چنین بیروکراسی حاکم و با تشویق مستقیم دولت و حزب حاکم سازمان های اجتماعی متعدد با اشتراک افراد مسلکی، زنان و مردان ایجاد گردید. آنچه به نام ساختار های مدنی در طی این مدت عرض وجود کرد نه تنها استقلال مطلوب را نداشتند، بلکه به صفت وسیلۀ سیاسی از طرف دولت مورد استفاده قرار می گرفتند، مانند: کوپراتیف های دهقانی در مناطق دور دست و برخی از ولایات تحت ادارۀ نظام حاکم از اقدامات برجستۀ این دوره در عرصۀ جامعۀ مدنی است. طوری که گفته آمدیم این اقدامات هیچگاه به ایجاد سازمان اصیل در کشور منجر نه گردید، بلکه به صفت وسیلۀ اعمال قدرت برای دولت به کار بسته می شد، موجودیت نهادهای مدنی در افغانستان در این دوره مشابه به حزب بعث عراق و کاپی احزاب کشورهای سوسیالیستی بود این تعداد مردان و زنانی که عضویت این سازمان های مدنی را کسب می کردند فقط برای حزب حاکم خدمت می کردند. باید گفته شود که آن ها برای حزب کار می کردند و نه حزب برای آن ها، موجودیت این نهادها فقط وسیله کاریابی و امرار معاش بود، نه وسیلۀ فشار در جهت کار کردهای دولت.

در این نهاد های ایجاد شده فقط مصلحت حزب و خوشنودی همسایۀ بزرگ شمالی در نظر بود. در هر وزارتخانه و ریاست های عمومی اتاقی به نام اتاق دوستی وجود داشت که فقط فوتوهای سران احزاب کمونیست جهان، دیگر چیزی مایه سرگرم کننده برای جوانان نبود، در حالی که این عکس ها برای آن ها هیچ جذابیتی نداشت اما رؤسای ادارات منسوبان خود را تشویق می نمودند تا گاه گاهی از این خانهٔ پرمیمنت دیدن نمایند! اساساً نهاد های مدنی که به اختیار و ارادهٔ مردم ساخته شده باشد در این اداره ها وجود نداشت، هرچه بود، هول بود وپوسیدگی و

آنچه به نام ساختار های مدنی در دهه شصت عرض وجود کرد نه تنها استقلال مطلوب را نداشتند، بلکه به صفت وسیلۀ سیاسی از طرف دولت مورد استفاده قرار می گرفتند.

ناباوری به فردای کشور.

وضعیت جامعهٔ مدنی در افغانستان در دههٔ ۱۳۶۰ وخیم گردید، جنگ ومقاومت در افغانستان فراگیر شد. از سوی دیگر فرار مغزهای افراد مسلکی، متخصص وروشنفکر ازکشور آغاز شد. به اساس احصائیهٔ سازمان ملل متحد در سال ۱۳۶۵ اضافه از ۶ میلیون افغان (یک سوم نفوس افغانستان) کشور را ترک گفتند. چنین وضعیتی در هر جامعه یی که باشد بالای رشد سیاسی، اجتماعی واقتصادی آن تأثیر فاجعه بار دارد. از سوی دیگر هجوم مردم به سوی کشورهای ایران و پاکستان وسایر کشورها، زمینه های ایجاد وانتشار نهادهای جدید مدنی را درخارج از کشور فراهم نمود. سازمان هایی مدنی که در خارج افغانستان یعنی ایران و پاکستان ایجاد گردیدند، با سازمان هایی که در داخل کشور قد بر افراشتند. مشابهت هایی به هم می رسانند. این سازمان ها هر کدام از سوی منابع تمویل کنندۀ آن ها، تشویق می شدند تا از اهداف سیاسی آن ها پیروی نمایند. هیچ یک از سازمان هایی که در داخل کشور ویا خارج کشور ایجاد گردیده است، به سازمان های اصیل مدنی تبدیل نگردیدند. رژیم کابل برای بقا و دوام خویش به تشکیل سازمان های جدید مدنی اقدام می نمود و این کار از سوی نیروهای مقاومت در ایران و پاکستان نیز به راه افتاده بود. وسازمان های مدنی ایجاد شده در خارج از مرزهای کشور همواره از قواعد و مقررات کشور میزبان پیروی می نمودند با آن هم این همه تشکیلات سیاسی یی که در خارج کشور در این دورهٔ مقاومت به وجود آمده است جزء ساختار کلی روابط سیاسی در افغانستان شمرده می شدند.

پدیده یی جدید که در دوران جهاد و مقاومت در عرصهٔ جامعهٔ مدنی افغانستان عرض وجود نمود، همانا موجودیت وگسترش مؤسسات و سازمان های بین المللی شامل سازمان ملل متحد، و سازمان های غیر دولتی در کشور است. کتله های عظیم مهاجرین و دست اندرکاران سیاست با این سازمان ها در ارتباط و در تماس بوده و نظر به فقر اقتصادی، مهاجرت وغیره پدیده های منفی دوران آوارگی در پهلوی جنبه های مثبت آن به وابستگی عده یی از افغان ها منجر گردید.

به وسیلهٔ کمک های مؤسسات بین المللی مؤسسات کمکی و انکشافی در افغانستان که به نام مؤسسات غیر دولتی افغانی ویا ان.جی.او برای نخستین بار در افغانستان عرض وجود نمود. آیا می توان این گونه مؤسسات خیریه و انکشافی را جزء جامعهٔ مدنی خواند سوالی است کاملاً مختلف. در صورتی که اهداف این مؤسسات را ارایهٔ کمک های رفاهی تشکیل می دهد، در چوکات تعریف جامعۀ مدنی قرار می گیرند. از سوی دیگر این مؤسسات بلا استثنا از سوی مؤسسات بین المللی تمویل شده و از آن ها الهام می گیرند و به ندرت از میان مردم برخاسته اند. و برای بقای خود وابسته به منابع بیرونی می باشند. وقتی

در سال ١٣٦٥ اضافه از ٦ میلیون افغان (یک سوم نفوس افغانستان) کشور را ترک گفتند. چنین وضعیتی در هر جامعه یی که باشد بالای رشد سیاسی، اجتماعی واقتصادی آن تأثیر فاجعه بار دارد.

این سازمان ها را جزء جامعهٔ مدنی گفته می توانیم که در میان توده ها نفوذ کرده و به صفت نمایندهٔ واقعی نیازمندی ها و آرزوهای آن ها مبدل شود.

ادامه دارد

معاون سیاسی لخضر ابراهیمی...

پیرامون مسایل عمدۀ سیاسی کنونی ، بازسازی ملی، خلع سلاح و تشکیلات وزارت دفاع ملی صحبت نموده گفتند: برای ما و ملل متحد اینها مسایلی با ارزش اند. البته نا رسایی و نواقص در کال ملل متحد و حکومت وجود دارد ، ما با بحران های زیادی مواجه هستیم. در شرایط کنونی چون جامعۀ جهانی - ایساف ،ملل متحد وناتو در این جا حضور دارند باید استفاده مناسب از همچون فرصت هایی طلایی صورت گیرد.

کمک عربستان سعودی برای مردم ...

کشور عربستان در دوران جهاد علیه تجاوزارتش سرخ شوروی سابق ، به مردم افغانستان با ارزش و فراموشی نا شدنی می باشد. استاد همچنان از مساعدت عربستان در بازسازی افغانستان به قدر دانی یاد آوری نموده گفتند:ما خواهان روابط بیشتر و بهتر و همکاری میان دو ملت برادر می باشیم.

آقای قحطانی ضمن ابراز خرسندی از ملاقات با استاد یاد آور گردید که کشورعربستان سعودی آماده کمک در امر بازسازی افغانستان می باشد باید زمینۀ جذب کمک ها از طریق پروژه های عام المنفعه توسط دولت مهیا گردد.

مسودۀ قانون اساسی طی دو ...

آقای کرزی مطابق گزارش بی بی سی افزوده است: "قانون اساسی تازه را که پیش نویس آن آماده شده و تا دو هفتۀ دیگر در اختیار مردم قرار خواهد گرفت و تا آخر سال جاری مسیحی در لویه جرگه یی که امیدوارست فرا گیر تر از لویه جرگۀ قبلی باشد ، به تصویب برسد"

آقای کرزی ابراز امید واری کرد که " با افزایش کمک های بین المللی و حضور و گسترش عمل نیروهای ایساف در سراسر افغانستان بتواند،بر مشکلات فایق آید".

سخنگوی طالبان مسوولیت قتل های ...

می نمایند ، بنا بر آن تمام کارکنانی که برای امریکایی ها و صلیبی ها کار می کنند ، سزاوار جزای مرگ می باشند.

قرار اطلاع خبری رادیو ازادی، طالبان تأیید کرده اند که یک افغان کارمند محلی یک مؤسسۀ امداد رسانی را به قتل رسانده و درایور او را زخمی کرده اند و اضافه نموده اند که آنها اجنت امریکایی هستند و کشتن آنان روا می باشند.

قرار گزارش رادیو آزادی ،روز چهار شنبه در ولایت هلمند چهار تن افراد مسلح مربوط طالبان بر موتر یک سازمان داوطلب بازساری حمله کردند و کارمند آن مؤسسه را به قتل رسانده و درایور،او را زخمی کردند که به گفته حاجی محمد ایوب یک تن از مسؤولان امنیت ولایت هلمند،دریور به اثر شدت زخمها بعداً جان خود را از دست داد به این ترتیب مطابق این گزارش رادیوآزادی ملاحظه می شود که روز تا روز امکانات بازسازی واعمار مجدد در افغانستان با موانع جدی روبرو می گردد.

افغانستان یک کشور بسیار ...

حاکمیت ملی در افغانستان شکل می گیرد و طی آن اردوی ملی تشکیل می شود ،چقدر طول خواهد کشید.

وی در ادامۀ سخنانش گفت:" صلح و امنیت به نفع منطقه وجهان است، وافغانستان برای ناتو به حیث یک کشور بسیار مهم و ستراتیژیک اهمیت دارد.

وماو شما یکجا با هم و به کمک و همکاری سازمان ملل ،در قسمّت تامین امنیت و بازسازی افغانستان باید مسؤولیت مشخص به عهده بگیریم".

"کشور های عضو ناتو به این اندیشه هستند که چگونه باید نیروهای حافظ صلح در سایر ولایات افغانستان جابجا شوند. استقرار امنیت در کابل برای افغانستان کافی نیست. نزد مقامات ناتو این نظریه وجود دارد که ابتدا به صورت آزمایشی در خارج از کابل در بعضی مناطق نیروهای ناتو جابجا شود."

در پایان سر منشی ناتو در یک خطاب افاده یی که بیشتر متوجه رهبران کشور های آسیای میانه بوده است، روبه حاضران در کنفرانس مطبوعاتی گفت:

"ما وقتی در مبارزه بر ضد تروریزم جهانی پیروز خواهیم بود که نخست در کشور های خود مان از تخلف درامور مربوط به حقوق بشر جلوگیری نماییم"

به هر حال دیده شود حضور ناتو در افغانستان آیا به این زودی می تواند سبب استقرار بیشتر وضعیت گردد!؟

چنانچه ملاحظه می شود اوضاع در طی این مدت که ناتو در افغانستان نقش رهبری کننده دارد ،چندان به سوی بهبودی سیر نکرده است ما بدترین خبر ها در این زمینه را طی هفتۀ گذشته از طریق رسانه ها شنیده و خوانده ایم و جالب است که عمدتاً باز تاب دهندۀ این حوادث و رخدادهای نظامی که در ولایات جنوب افغانستان به گونه یی بی سابقه جریان دارد ،رسانه ها و وسایل اطلاعات جمعی غربی هستند.

در سوک خورشید

سید عالم هاشمی

باز دشت و دره ازغم شد بجوش
بازمی خیزد زهرکویی خروش
باز از این سرزمین دردمند
نالهٔ جانسوز می گردد بلند
سوگواران جامه پوشندی سیه
می نهندی خاک برجای کله
بازهم هندوکش وپامیر کوه
می فتندی از بلندای شکوه
بازآن دژ یلستان کهن
خفته در سوگ جوان خویشتن
باز دلها غرق اندر ماتم است
قصه یی چاه وشغاو رستم است
باز یاد آن امیر مهربان
می فروزد آتش اندرعمق جان
بهر ملت رمز وحدت بود او
ملهم فکر اخوت بود او
دست تقدیرش بُدن آورده بود
آنچنان بایستش پرورده بود
تارهاند کشور از نامردمی
بگذرد از هفت خون رستمی
هرکه این جاکرد آهنگ هجوم
برشکستش دست نحس وپای شوم
چاوش لشکر کش هنگامه ای
پهلوان فاتحی، شهنامه ای
عارف آگه دل باسوز و درد
آرش تیر افگن روز نبرد
دوستدار خطه یی مرز کهن
پاسدار عرض ناموس وطن
مرد عشق ومهر وشمشیر وجهاد
مرد خشم وغیرت وفرهنگ و داد
اسوهٔ ایمان واخلاص وعمل
دشمن تزویر و بیداد وحیل
بستون لرزان زضرب تیشه اش
برتر از بام فلک اندیشه اش
قامتش بالاچو سرو استوار
چهره اش مهتاب در شام بهار
او زهر حرص و هوسها پاک بود
همچو گوهر در دل این خاک بود
برتر از قوم وزبان ورنگ وخون
فارغ از اندیشه های چندو چون
عزت حماسه وفتح و ظفر
سنگر وشمشیر وپیکان سپر
هم صفا وصلح، هم آزادگی
افتخار رزم وهم ایستادگی
هم وقار شوکت افغانیت
هم درین جا ارزش انسانیت
هدیه هایی از ید طولای اوست
وام دار همت والای اوست
رونق این فصل، سبز ازخون او
برگ برگ این چمن مضمون او
هرکه را یکذره انصاف است و دین
هرکه جانش هست بادانش قرین
خوب می داند که در این بوم و بر
گرنبکشودی عقاب بال و پر
گریل کجکن نجنبیدی زجای
ورنه بفشردی درین ویرانه پای
این وطن پامال زاغان گشته بود
طعمه از بهر کلاغان گشته بود
هرچه این جاهست باد اورده نیست
هان! پندارید غیر آورده نیست
حاصل یک عمر جهد حیدراست
خون بهای قهرمان کشور است
تازبام خاور این قرص زرین
نور می ریزد بدامان زمین
زنده نام حضرت مسعود باد
یاد او پاینده وممدود باد

چراغ قرمز بهانه

پرتو نادری

پیام آوران مرگ
درسمت غربی خیابانِ خاک آلوده
تبسم لئیمانه یی برلب دارند
وچشم های شان
چراغ سرخ حادثه است
در چار راههٔ که آزادی ازان عبور می کند
پیام آوران مرگ
چنان کفچه ماری
بر انبوهی جمجمه های نیاکان من چنبر زده اند
وخون تفکر تاریخ را
آن قدر مکیده اند
که حماسهٔ روزگار
به بیهوده گی هذیان دیوانه گان
بدل شده است
پیام آوران مرگ
بازبان زاغ سخن می گویند
واز آزادی
تعبیری دارند
که شایدبا افسارباوهٔ خنگی دراصطبلی رابط دارد
پیام آوران مرگ
در کوچه های تاریک ویرانی
جای پای انفجارهزارساله گام می گذارند
وچراغ قرمز بهانه های تازهٔ خود را
پیشاپیش قافله یی برمی فروزند
که هفت اقلیم شقاوت را
در یک گام پیموده است
پیام آوران مرگ
درسمت غربی خیابان خاک آلود
تبسم لئیمانه یی برلب دارند
وکودکان دهکدهٔ هیاهو
پای برزمین می کوبند
و دست برآسمان می افشانند
شاید
شاید
ابتذال تازه یی به دنیا آمده است.

آيني غوندي صفارا

محمد اکرم وفادار

الهي توان د زهد اوتقوا را — بصیرت دسترگو راکړه په اسرارو
لکه لمر داسمان دا شانته رڼا را — وهرچاته په ارزښت سترگي بینارا
چي مرهم شم بي توپیره دزخمي زړو — چي راتلونکي مي دوراندي پکښي وینم
داسي مینه داسي عجربي بهارا — مهربان زړه آيني غوندي صفا را
چي دستا په لارکي وسوزم ایري شم — چي دستا په لار روان اومتقیان دي
لکه شمعه خو. رڼا سره بقا را — په هغه سفرکښي ماته ستارضا را
جاهلانو ته حکمت داسي څرگندکړه — ماپه هغه لار روان کړه چي خوښیږي
په کښتی دنوح(ع) کي ماته هم پنارا — دبدیونه پرهیز داتمنا را
ددنیا دمال متاع حرص مي کم کړه — (وفادار) په تللي عمرپښیمان دي
احتیاجیونه مي خلاص کړه بس همدارا — توان توفیق دنیك عمل راته بیا بیارا

لنډه رښتیني کیسه
بی وفائی

دشاه محمود زیارمل لیکنه

سیما مي چي لومړي ځل دښوونځي په لاره ولید له ماته دپاکلمني سمبول، دحیا بیلگه او دښکلا معجزه ښکاریده. حیاناکي سترگي یي ځمکي ته نیولي وي او له خپلي خور لښي سره ي په ادب ادب خبري کولي، زه یي څو څو ځله شاوخوا تاو را تاو شوم. هڅه مي کوله چي په مړوسترگویي ووینم: خو دي ته خپلي کورنۍ روزني او لوړ تهذیب اجازه نه ورکوله چي ما ته پښه نیولي او ځیرشي، یواځي یو ځل یي هغه وخت زما په لور خپلي شهلا سترگي را پورته کړي چي نا ببره یي زما زړه دخپلو ښو په غشوویشت او زه هم دلومړي ځل له پاره په خان وپوهیدم چي دخپلو گورو او تورو زلفو په لومه کي یي داسي راښکیل کړم لکه چي وایي:

لکه ونښلي مرغۍ په ست دام
دسلو لو مو
هسي زه پریشانو زلفو کښیستم
په کشاله کي

له هغي ورځي را په دي خوا نه پوهیدم چي څه وکړم، کوم کنډو ورته ونیسم. په ټولو لارو کو څو کي به مي لکه دسیوري په څیر تعقیبوله. سیما هم پوهیده چي دلیونۍ مینې کوم لیوني وریسي دي خو یواځي به یي په غلچکي نظر له معمولي شانته موسکا سره یوځاي یوځل دوه ځله زما په لور راوکتل او زه به یي خوشحاله کړم. خو ما، بلي ما هم په خپله لیونۍ مینه قسم کړي و چي ترهغي به د پتنگ په څیر دحسن له دي بلي ډیوي نه طوافونه کوم ترڅو چي دوصال دروازي ته ننوزم او خپله محبوبه په غیږ کي ونیسم

هماغه و چي له دوامداري. نه ستړي کیدونکي سرگردانۍ او لالهاندۍ او دریبا رانوله مرکو جرگو وروسته زما هیلي او امیدونه غوټۍ شول، زما ددوامدارو خوبونو تعبیر سم وخوت او دغه مرغلره مي دخپلي عاشقي په سمند کي له ډیرو غوټو وهلو وروسته تر لاسه کړه. ما په خپلو اوږدو زیارونو وویاړل چي زه یي دنیکمرغۍ درشل ته ورسولم ما خان دټولو انسانانو نه اوچت او نیك بخته باله، ځکه زه په خپل ژوند او خپله مینه کي خپل پاك هدف ته رسیدلي وم نو ځان به مي څنگه نیك بخته نه باله او ولي به مي نه ویاړل؟!

خو افسوس او بیا هم صد افسوس چي زما دغه نیکمرغي. زما دمیني دغه کامیابي او پرکامیابي باندي زما ویاړ هسي یو خوب او خیال و، هسي یو غولوونکي سراب و.

هسي دڅو ورځو خوښي او خوشحالي وه، دا خوښي او نیکمرغي بیا تر هغه وخته پوري وه چي موږ په خپل هیواد کي و، فرهنگ مو خپل و، مینه مو افغاني وه. عرف او رواج مو خپل و کور او کلي مو خپل و، واك او اختیار مو خپل و، خوکله چي زموږ په جنتي هیواد دظلم او تورتم خونړي ښا مار حمله وکړه او زموږ هست او بودیي را ونغاړل نو زه هم له خپلو ملیونونو هیوادوالو سره بي کوره او بي هیواده شوم، هر څه ونړیدل او هر څه وسوځیدل خو اوس وایم کاشکي زه هم ورسره یوځاي سوځیدلاي واي. زه هم په خپلو کندوالو کي مړوایي. اوس به رباندي دیو غیرتي شهید جنډه رپیدلاي خو نه پوهیږم چي ولي داسي ونه شول؟!

هوکي! زه وتښتیدم، ډیر لري لاړم. په زرگونو کیلو متره لري. له سمندرونو نه پوري غاړه، هلته چي اروپا ده. هلته چي بل ډول فرهنگ دي، هلته چي دافغاني تهذیب پته نه لگیږي، هلته چي ښځي بي سرحده آزادي لري. هلته چي ښځه دبشري حقوقو په نامه افغاني فرهنگ ملامت بولي او هلته چي ښځه دنایټ کلپونو نڅا گره او هم دجمال پرستو ساقي ده. هلته چي ښځه دپرديو جامي اغوندي او دخان دلوڅولو هوس کوي او هلته چي ښځه دهرچا مینه او دهرچا مینا ده.

هوکي! زه داسي ځمکي ته لاړم چي زما میني. زما دهوسونو تجلا او زما دسرشار عشق لیلا خپل خان په اروپایي هنداره کي ولیده. دهغي دسترگو حیا والوته. هغي افغاني غرور په لغته ووهه. هغي په افغاني ویاړنو ملنډي وهلي. هغي زما په مینه هم خندل. زما په وفاداري یي هم خندل او زما اندیښني یي بي خایه بللي او ویل به یي "دنیا بدله شوه او ته هماغسي زوړ پاتي یي. ستا فکر زوړ دي. ستا ټولي هیلي زړي دي، ستا خیالونه زاړه دي. یا دي ځان له چاپیر یال سره برابر کړه او یا زما له ژوند نه لري شه، ته زما له پاره ډیر خورونکي یي. ډیر خورونکي!!

هوکي! ما چي هر څومره دخپلي محبوبا . او خپلي میني دلیلا دفکر بدلولو هڅي وکړي نتیجه مي تر لاسه نه کړه او داځکه چي هغه داروپایي تهذیب په خم کي رنگ او بدله شوي وه، پرهغي باندي زما خبره دټوپك له گوزاره هم بده لگیده، هغي به هغه څه کول چي زړه یي غوښتل. اروپا تري غوښتل اروپایي فرهنگ تري غوښتل. دهغه ځاي ځوانانو تري غوښتل هماغه و چي له مانه یي خپله لاره جلا کړه، زه یي ورټلم.

هوکي! زه یي دتل له پاره له خانه ورټلم. له هغي وروسته پوه شوم چي که دلته مي کور وسوځیدنو هلته مي د زړه بازار تالاشو. هلته مي مینه لمبه شوه. هلته مي بچیان او میرمن له لاسه ورکړل. هستي، مینه او عواطف مي لولپه شول او دادي اوس دیو نیستمن ملنگ په څیر هیواد ته یواځي راستون شوم. اوس نه پوهیږم څه وکړم خپل وران هیواد آباد کړم او یا دخپل خوریدلي ژرکي ورانه جاله!!

۶ جوزا یا ۲۸ اسد

کدام یک روز استرداد استقلال کشور ما ست؟

۳ قصهٔ غم انگیز جشن های ما

رهنورد زریاب

> عنوان اصلی این نبشته "قصهٔ غم انگیز جشن های ما" بوده است ولی دست نویس استادزریاب به ادارهٔ "مجاهد" بدون این عنوان رسیده بود . و گزینش عنوان "٦ جوزا یا ۲۸ اسد کدام یک روز استر داد استقلال کشورماست؟" کار کارگردانان نشریه بوده است. لذا در این شماره عنوان اصلی آن را نیز در کنار این عنوان مجعول آوردیم . اداره

فکر می کنم وقت آن رسیده است که بیندیشیم وببینیم که چه روزی وچه سالی را- بااطمینان کامل- می توان به حیث روز وسال واپس گیری آزادی کشورمان، از شهنشاهی بریتانیای کبیر، شناخت وپذیرفت. تابتوانیم بادل گرم وخیال راحت، این روز واین سال را گرامی داریم وارج گذاریم ونیز همین گرامیداشت را- همچون میراث نفیس وگرانبها- برای آینده گان برجا می گذاریم.

به باور بنده- در پیوند با آزادی سرزمین ما- این روزها وسال هایی که در پایین یاد می شوند، برجسته گی دارند واز ارج ومقامی برخوردار می توند بود:

روز بیست وچارم ماه فبروری سال۱۹۱۹میلادی: که باروز پنجم ماه حوت۱۲۹۷هجری خورشیدی برابر می شود. در این روز، شاه امان الله جوان- که روز پیشتر به پادشاهی برداشته شده بود- درمیدان مرادخانی کابل: به میان مردم رفت ودر جریان یک سخنرانی پرشور. استقلال خارجی افغانستان را اعلام کرد(۲۴).

روز بیست وهشتم ماه فبروری سال۱۹۱۹میلادی، که باروز نهم ماه حوت۱۲۹۷هجری خورشیدی برابر می شود. در این روز، شاه امان الله، اعلامیه های چاپیی- خطاب به مردم افغانستان- پخش کرد که در آن آمده بود:"...وقتی که ملت بزرگ من، تاج شاهی را برسرمن نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان- مانند سایر قدرت های جهان- در داخل وخارج کشور، آزاد ومستقل باشند..."(۲۵).

روز سوم ماه مارچ سال۱۹۱۹ میلادی، که باروز دوازدهم ماه حوت سال۱۲۹۷هجری خورشیدی برابر می شود. در این روز، شاه امان الله، نامه یی به لارد چلسفورد- نایب السلطنهٔ بریتانیا در هندوستان- فرستاد ودر آن نامه گفت که باید در معاهدهٔ سال۱۹۰۵افغان وانگلیس(۲۶) تجدید نظر صورت گیرد وافغانستان برای عقد یک معاهدهٔ جدید بادولت بریتانیا، براساس حقوق مساوی طرفین، آماده است (۲۷). شاه در این نامه اش، افغانستان را که یک دولت آزاد ومستقل معرفی کرد(۲۸).

روز بیست وچارم ماه جولای سال۱۹۲۰میلادی، که با روزدوم ماه سرطان سال۱۲۹۹ هجری خورشیدی برابرمی شود، در این روز، گفتگوهای "منصوری"- میان هیئت افغانی به سرکرده گی محمود طرزی وهیئت انگلیس به سرکرده گی سرهنری دابس- بدون نتیجه به

جانب انگلیس، یادداشتی به جانب افغانی تسلیم کرد که در این یادداشت، اصل استقلال سیاسی کامل افغانستان، تأیید شده بود، به شرطی که افغانستان از هرگونه مداخله در امور ماورای سرحد خود داری ورزد.

پایان رسید. اما، جانب انگلیس، یادداشتی به جانب افغانی تسلیم کرد که در این یادداشت، اصل استقلال سیاسی کامل افغانستان، تأیید شده بود، به شرطی که افغانستان از هرگونه مداخله در امور ماورای سرحد خود داری ورزد وبه تحریکات ضد انگلیس در داخل خاک خود پایان بخشد(۲۹).

بااین هم- چنان که دیده شد- رویدادهای پسین، از جمله برخورد سرد واهانت آمیز لارد کرزن، وزیرخارجهٔ بریتانیا، باهیئت افغانی به سرکرده گی محمدولی خان دروازی درلندن، نشان دادند که این یاد داشت نیز، به هیچ روی، ارج وبهایی بیشتر از یادداشت "راول پندی" نداشت ودولتمردان بریتانیا- در عمل- آزادی افغانستان را به رسمیت نشناخته بودند.

روز بیست ودوم ماه نوامبر سال۱۹۲۱میلادی. که باروز سیم ماه عقرب سال۱۳۰۰هجری خورشیدی برابر می شود. در این روز، عهدنامه یی بین افغانستان وبریتانیا- در کابل- به امضاء رسید وبرای نخستین بار، دولت بریتانیا آزادی کشور ما را- درمتن یک پیمان وبه صورت روشن وصریح- به رسمیت شناخت(۳۰) فرهنگ در باب محتوای این معاهده می گوید: "مواد مربوط به مناسبات سیاسی دوکشور، بانهایت دقت واحتیاط، به شکل متوازن ترتیب یافته است، و"حکومت انگلستان، سرانجام، استقلال افغانستان را، در امور داخلی وخارجی، به الفاظ صریح وواضح تصدیق نموده موافقت کرد که وزارت مختاری های نظامی دو کشور در پایتخت های یک دیگر تأسیس گردد."(۳۱)

درمادهٔ نخست این عهدنامه، که به صورت معیاری وباکار برد مصطلحات مروج ومعمول دیپلوماتیک نگارش یافته است، می خوانیم: "دولتین علیتین برتانیه وافغانستان، بالمقابل تمامی حقوق استقلال داخلی وخارجی یک دیگر خودشان را تصدیق نموده محترم می شمارند."

درمادهٔ سوم، این نکته مسجل شده است:"دولت بهیهٔ برتانیه اتفاق می نماید که یک نفر وزیر مختار را، از جانب اعلیحضرت پادشاه افغانستان، به دربار شاهی لندن- مطابق همه سفرای دول- قبول نماید وبرای اقامهٔ سفارت افغانستان اجازه بدهد. کذالک، دولت علیه افغانستان، اتفاق می نماید که یک نفر وزیر مختار را، از جانب اعلیحضرت پادشاه انگلستان وامپراتور هندوستان، در کابل قبول نماید وبرای اقامهٔ سفارت دولت بهیهٔ برتانیه درکابل اجازه بدهد. هریک از دولتین، دارای این حق خواهد بود که یک نفر اتاشی نظامی را به سفارت خود مأمور نماید."

این معاهده که یک "تمهید"، چارده ماده و دوضمیمه را در بر می گیرد، هماهنگ وبرابر بااصول واساسات حقوق بین الدول نگاشته شده است و- برخلاف معاهده ها ویاد داشت های قبلی- باروشنی کامل نشان می دهد که طرف های امضاء کننده یا- چنان که در متن معاهده آمده است- "دولتین علیتین عاقدین" :دولت های همتراز، همسنگ وهمسایه هستند.

اکنون- به عقیدهٔ بنده- اگر اعلام یک جانبهٔ آزادی کشورمان را بپذیریم، می شود همان روزبیست وچارم ماه فبروری سال۱۹۱۹میلادی، برابر باروز پنجم ماه حوت سال۱۲۹۷هجری خورشیدی را، به مثابهٔ روز آزادی کشور پذیرفت. واین روز- چنان که گفته آمد- همان روزی است که شاه امان الله درمیان مردم رفت ودرجریان یک سخنرانی شور آفرین، استقلال کشور را اعلام کرد. واما، اگر به موافقت هردو طرف ارزش واعتبار قایل شویم ومعیارهای دیپلوماتیک جهانی را درنظر گیریم و وضاحت وشفافیت واژه ها ومصطلحات به کار رفته در متن های معاهدات را معتبر بشناسیم، در این صورت، روز بیست ودوم ماه نوامبر سال ۱۹۲۱میلادی. برابر باروز سیم ماه عقرب سال۱۳۰۰هجری خورشیدی- یعنی همان روزی که معاهدهٔ کابل به امضاء رسید- روز آزادی سرزمین ما خواهد بود.

من، بدین باور هستم که چون متن عهدنامهٔ کابل، به اندازهٔ بسنده صراحت ورشنی دارد ونیز از رهگذر حقوقی، از اعتبار کامل برخوردار است، می تواند تهداب استوار آزادی مرز وبوم مان قرار گیرد وروز امضای این عهدنامه، یعنی روز سیم ماه عقرب سال ۱۳۰۰هجری خورشیدی، به حیث روز واپس گیری آزادی افغانستان شناخته شود. باپذیرفتن این روز، به حیث روز آزادی کشور، هرگونه شک وشبهه وهرگونه اعتراض وانکاری، از میان برداشته خواهد شد.

رویکردها

۱- یاد این روزهای خوش از دست رفته، در داستان "دوستی از شهری دور"، اندک، بازتاب یافته است. (دیده شود: رهنورد ازباب: "دوستی از شهری دور"، اتحادیهٔ نویسنده گان،۱۳٦۵، کابل)

۲- میرغلام محمد غبار،"افغانستان درمسیر تاریخ"، جلد اول، ص ۷٦۷-۷٦۸. غبار در جلد دوم همین کتاب، از این رویداد، تصویری تا اندازه یی دگرگون، به دست می دهد.(دیده شود: جلد دوم، ص ۳۲)

۳- میر محمد صدیق فرهنگ،"افغانستان در پنج قرن اخیر"، مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان، جلد اول، قم، ۱۳۷۱، ص ۵۰۵ وص ۵٦۸.

٤- دیده شود: ظفر حسن آیبک،"افغانستان از سلطنت امیر حبیب الله خان تا صدارت سردار محمد هاشم خان"، ترجمه وتحشیهٔ فضل الرحمان فاضل: ادارهٔ روابط فرهنگی سفارت کبرای دولت اسلامی افغانستان دهلی، ۱۳۷۹،ص ۱٦۵- ۱۷٤.

۵- سیدال یوسفزی،"نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، مرکز نشراتی میوند، پیشاور،۱۳۷۸،ص٦-۷. (به نظر می رسد که نام "سیدال یوسفزی" نام مستعار باشد. بربنیاد یک شایعه، این اثر را سید محمد قاسم رشتیا، پس از کودتای ثور نوشت که باهمین نام مستعار، در شماره های ۱۳۵تا۱۷٦ روزنامهٔ انیس به چاپ رسید. ناشر پیشاور نیز در همین مورد اشارتی دارد.

رشتیا خود، در "خاطرات سیاسی" اش، می نویسد که پس از کودتای ثور، بنابر اصرار مقامات دولتی، رساله یی را بانام "دست انگلیس در سقوط رژیم مترقی امان الله خان" نوشت که هر قسمت آن، نخست از رادیو پخش می شد وسپس دریکی از روزنامه ها به چاپ می رسید. هر چند شرح رشتیا از محتویات این نبشته، بامطالب "نادر چگونه به پادشاهی رسید" - تا اندازه یی- هماهنگی وهمخوانی نشان می دهد، ولی نمی شود در این باب باقاطعیت چیزی گفت. (دیده شود: سید محمد قاسم رشتیا،"خاطرات سیاسی"، چاپ اول، ویرجینیا(امریکا)،۱۳۷٦،ص ٤۵۲- ٤۵۳

٦- "نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، ص ۵٤. واما "هدیهٔ انجمن ادبی به مناسبت جشن سال سوم نجات کشور" به روشنی برمی آید که تا سال ۱۳۱۰(سال دوم پادشاهی محمد نادر شاه) هم، جشن آزادی کشور، از ۲۲تا ۲۸ماه اسد برگذار می شد. در این نشریهٔ ویژه از سوی انجمن ادبی کابل نشر شده است، محمد کریم قاضی زاده می نویسد: "...سالیانه به نام جشن استقلال، جشن گرفتن ما از ۲۲الی ۲۸اسد به یاد بهترین ایام میمون تاریخی..."

۷- غبار، "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد دوم، ویرجینیا،۱۹۹۹، ص ۳۲، خاطرات ظفر حسن آیبک نیز سخن غبار را تأئید می کند. ظفر حسن که از این کار شاه امان الله به شگفتی اندر شده است، می نویسد:"این طرز اعتراف وتشویق از یک پادشاه مطلق العنان در برابر یک تن از فرماندهانش(۰۱۰) ظرفیت های عالی او(امان الله) را نیز ثابت می کند که شاید از طرف هیچ پادشاه مطلق العنان دیگر، در سایر کشورهای اسلامی(...) به وقوع نپیوسته است."(ص ۱۸۷).

۸- فرهنگ، جلد اول، ص ٦۲۳.

۹- سخنی است از ابوالقاسم علی بن محمد اسکافی، دبیر ابو علی بن محتاج چغانی وابو منصور بن نوح وعبدالملک بن نوح سامانی. اصل سخن او- که نظامی عروضی در "چار مقاله" اش آورده است- چنین است "اما ما کان فصار کاسمه والسلام."

ص٦

جهان چند تمدنی
جنگ تمدنها گفتگوی تمدنها؟

ابوبکر سبزوار

آرنولد توینبی در کتاب تمدن در بوته، آزمایش، از بدبینی تاریخی غربی ها نسبت به اسلام چنین می گوید:

... قرنها قبل از این که سخنی از کمونیسم باشد، اجداد ما اسلام را سپر تیر بلا قرار می دادند. تا قرن شانزدهم اسلام در دل مردم مغرب زمین همان وحشتی را ایجاد می کرد که کمونیزم در قرن بیستم، و علت هم در هردو مورد یکسان بود. اسلام هم مانند کمونیسم ضد غرب بود و در عین حال صورتی بود رافضی از ایمان غرب و مثل کمونیسم صاحب یک شمشیر روحی بود که سلاح مادی در برابر آن قادر به دفاع نبود...

توینبی با تحقیق در تاریخ بشر، بیست و هفت تمدن را که بشر از آغاز خلقت تاکنون بوجود آورده است برمی شمارد که امروز چهار تای آن زنده است. تمدن اسلام، مسیحیت، هند و خاور دور.

توینبی به عنوان یک مؤرخ به این حقیقت اشاره می کند که یک الگوی تکرار شونده در تمدن های قدیم وجود داشته که به انحطاط و تجزیه و سقوط تمدن ها منجر شده است. او به این باور است که انسان محکوم به واداشتن تاریخ به تکرار نیست و قادر است از طریق کوشش وسعی خویش تاریخ را به مسیر دیگری رهنمون گردد.

برای نجات یافتن از سقوط چه باید کرد؟

توینبی برای جلوگیری از سقوط تمدن غرب پیشنهاد هایی برای اصلاحات از داخل در ساختار تمدن غرب دارد او می گوید که ما باید در زندگی روحی روبنای دنیوی را دوباره بر مبنای دینی قرار دهیم. در سیاست باید یک سیستم اشتراک مساعی حکومت مشروطه، جهانی تأسیس کنیم.

او خواهان یک نظام اقتصادی عادلانه در سطح جهانی است و معتقد است که اگر غرب به این اهداف دست یابد، به حق احساس خواهد کرد که در مبارزه، فعلی برای زنده ماندن تمدن خود پیروز شده است.

توینبی بعنوان یک مؤرخ روشنبین بدرستی دریافته بود که عوامل توانمندی و یا انحطاط تمدن ها را در قدم اول باید در داخل آن تمدن ها جستجو کرد نه در بیرون و در مواجهه و حتی درگیری با تمدن های دیگر.

وقتی در سال ۱۹۹۳ ساموئل هاتینگتون در مقاله یی در نشریه، (فارن افرز) نظریه، برخورد تمدن ها را مطرح کرد، بیشتر از این که از نظر علمی توجهی را برانگیزد، به خاطر تأثیرات سیاسی آن مورد توجه قرار گرفت.

هاتینگتون هرچند سعی کرده نظریه، برخورد تمدن ها را در قالب به ظاهر علمی مطرح سازد، ولی با عدول از سنت محمود اهل تحقیق با برخورد جانبدارانه به نفع تمدن غرب، از قبل معیار ارزش ها را تمدن غرب قرار داده و با این معیار درستی ها و نادرستی ها در فرهنگ ها وتمدن های دیگر را محک می زند. از همین جاست دانشمندانی که این نظریه را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده اند معتقدند که این نظریه فاقد یک زیربنای مستحکم علمی است ولی در عرصه، سیاست بین المللی که علمی نبودن یک نظریه زیاد دغدغه، خاطر برنمی انگیزد، نظریه، برخورد تمدن ها هواداران قدرتمندی دارد.

هواداران تمدن غرب به این باورند که راهکار هایی را که تمدن غرب برای نظام جهانی طرح نموده بهترین شیوه، زندگی برای نسل بشر است و باید همین شیوه در جهان تعمیم یابد. نظریه، برخورد تمدن ها نیز بر همین تعریف بنا یافته است.

هاتینگتون با این نظر، خطر جنوب (اسلام) را در ذهن دولتمردان غربی برجسته ساخت. او به این نظراست که بعد از قرارداد "وستفالی" در اروپا، پادشاهان بجان هم افتادند. بعد از انقلاب کبیر فرانسه درگیری ها بین ملت ها آغاز شد، قرن بیستم شاهد رویارویی و جنگ ایدئولوژی ها بود اما اکنون با از میان رفتن سیطره، ایدئولوژیک کمونیزم، دورهٔ جنگ تمدن ها فرا رسیده است.

وابستگی به یک تمدن نشان خود هویتی جامعه و افراد آن ست. هاتینگتون هشت نوع تمدن را در جهان امروز نشاندهی می کند: تمدن غربی، تمدن اسلامی، تمدن هندی، تمدن اسلاو ارتدوکس، تمدن افریقایی ها، تمدن کنفیسیوسی، تمدن جاپانی و تمدن امریکای شمالی.

در این جا هاتینگتون جهان را به دو جبهه، تمدنی مخالف تقسیم می کند که در آینده جهان غرب در یک جبهه در برابر سایر تمدن ها قرار خواهد گرفت. او در همکاری های اقتصادی و تکنولوژیک چین و کوریای شمالی با تعدادی از کشور های اسلامی را نشانی از جبهه گیری تمدنی میان تمدن کنفیسیوسی و اسلامی در برابر تمدن غرب می داند و خواستار همکاری های بیشتر میان امریکای شمالی و اروپاست که باید اروپای شرقی و امریکای جنوبی را نیز شامل سود.

در برابر نظریه، برخورد تمدن ها تئوری گفتگوی تمدن ها قرار دارد. این نظریه بر پایه، این دید بنا یافته است که تمدن ها بازده تجارب مشترک انسانی است، هر کدام با وجود وجوه افتراق از وجوه اشتراک نیز برخوردار است لذا آن ها به جای درگیری می توانند در پیرامون مسائل انسانی با هم تفاهم کنند و جهان را از درگیری وبحران به سوی آسایش وصلح بکشانند.

بی تردید اگر نظریه، هاتینگتون پایه، سیاست های استراژیک کشورهای بسته به تمدن غرب قرار گیرد ثبات وصلح جهانی به گونه، جدی در معرض خطر قرار می گیرد که در آن صورت نه تنها تمدن جنوب وکشور های آن، که تمدن شمال و کشورهای آن نیز زیانمند خواهند شد

چرا جلو نا امنی ها ...

قرار می گیرد که به شکل تجاوز به عفت، اختطاف زن ودختران وازدواج های اجباری رخ داده است.

جرایم علیه اشخاص واموال عمدتاً در شهرها ومسیر راه ها وجرایم علیه عفت علاوه از شهرها بیشتر در محلات و جاهایی که قوماندانان محلی تسلط بیچون وچرا دارند، واقع گردیده است.

گفته می شود گروه های مافیا بافراغ خاطر به جرم وجنایت دست می زنند بدان علت که دستان نیرومندی در ادارات مرکزی وحکومت های حوزه یی آنان را تحت حمایت خویش قرار می دهند. متضرران هیچگاهی قادر نشده اند تاخود واز طریق ارگانهای حراست از حقوق عامه، به دفع ظلم از خویش بپردازند.

این که چه عواملی موجب بروز جرم وجنایت می گردد؟ باید گفت که در وضعیت موجود کشور، فقر وجهل عمده ترین عامل جرم وجنایت بوده است در کنار فساد اداری وبیروکراسی حاکم برنظام اداری به جرم زمینة بروز وبه مجرمان میدان عمل داده است.

وهمچنان نمی توان از تفرقه اندازی میان مردم توسط اشخاص ذی نفوذ، بمثابهٔ عامل دیگر جرم وجنایت چشم پوشید.

هریک از این عوامل در پهلوی سایر عوامل به انحای مختلف در بروز جرم وجنایت مؤثر بوده واز سوی گروه های قدرتمند محلی ومافیا بااغفال افراد بی خبر مورد استفادهٔ وسیع قرار می گیرد.

در اخیر این پرسش بی پاسخ می ماند در حالی که اعضای کابینه اعمال قدرت اشخاص ذی نفوذ وگروه های مسلح را عامل بروز جرم وجنایت می دانند چرا از آن جلو گیری نمی نمایند؟

۶ جوزا یا ۲۸ اسد...

۱۰- گفته می شود که سردار محمد داؤد به شاه امان الله ارج و احترام می گذاشت. از همین رو، در دورهٔ ریاست جمهوری خودش، نام اصلی ونخستین مکتب "نجات" را نیز احیاء کرد وآن را "امانی" نامید.

۱۱- صفت "سیدنا" (سرورما، بزرگ ما) را در مورد غبار، در نبشته های دوست دیرینه ام. دکتور علی رضوی، دیده ام واز آن خوشم آمده است.

۱۲- پسانتر ها که کتاب ارزشمند فرزانهٔ بزرگ روزگارمان، میرمحمد صدیق فرهنگ، به دستم افتاد، در این کتاب نفیس وبلند جایگاه نیز، در باب روز بیست وهشتم ماه اسد، چیزی نیافتم.

۱۳- در همان روزها- که پرس وپال های من جریان داشتند- نبشته یی باعنوان "چرا تاریخ خود را احترام نمی کنیم؟" از "یک هموطن عزیز ما در اروپا" در صفحهٔ چاردهم شمارهٔ ۷٦ماهنامهٔ "کاروان" به چاپ رسید. این "هموطن عزیز ما در اروپا" بر تفاوت بین تاریخ امضای عهدنامهٔ "راول پندی" وروز بیست وهشتم ماه اسد، انگشت گذاشته واین تفاوت را نتیجهٔ کارنامه ها ودست بازی های "غاصبین کمونیست" بنا بر یک علت تاحال نامعلوم" دانسته بود. بنده بدین باور هستم که انگشت گذاری این "هموطن عزیز ما از روپا" براین نکته، می تواند بازتاب همان پرس وپال های من بوده باشد. اما، روشن است که این هموطن ما، خیلی شتابزده داوری فرموده بودند و "غاصبین کمونیست" را- این بار- بی جهت کف پایی برداشته بودند؛ زیرا آنان در این کار هیچ دستی نداشتند.

۱٤- زمانی که این مقالهٔ بنده در ماهنامهٔ "کاروان" به چاپ رسید، برخی از دوستان دانشمند- که من تصادفاً مشکل خودم را با آنان درمیان نگذاشته بودم- تیلفون زدند یانامه نوشتند ومرا ملامت کردند که چرا این مسأله را از آنان نپرسیده بودم تا بیدرنگ همه چیز را برایم روشن می ساختند. البته که بنده جوابی نداشتم. تنها از غفلت وبی فکری خودم پوزش می خواستم.

۱۵- دیده شود: غبار، جلد اول، ص ۷۷٤- ۷۷۵. ونیز: لودویک آدمک، "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمان خان تا استقلال"، ترجمهٔ علی محمد زهما، مؤسسهٔ افغان کتاب، کابل، ۱۳٤۹، ص ۲٤۹- ۲۵۰.

۱٦- غبار، جلد اول، ص ۷۷۵.

۱۷- آدمک، ص ۲۵۱.

۱۸- غبار، جلد اول، ص ۷۷۷.

۱۹- فرهنگ، جلد اول، ص ۵۱۱.

۲۰- فرهنگ، جلد اول، ص ۵۱۲.

۲۱- فرهنگ، همان جا.

۲۲- فرهنگ، جلد اول، ص ۵۱٤ وغبار، جلد اول، ص ۷۷۸. از نبشتهٔ فرهنگ برمی آید که لارد کرزن [illegible] افغانی را پذیرفته باشد [illegible] گفته های غبار [illegible] محمد ولی خان، لارد کرزن [illegible] "وزیر خارجه برتانیا" [illegible]

فرهنگ) و "سرد" (به گفتهٔ غبار) هردو تاریخ نویس بزرگ افغان همنوا هستند.

۲۳- فرهنگ، جلد اول ص ۵۱٤.

۲٤- غبار، جلد اول ص ۷۵۳ وفرهنگ، جلد اول ص ٤۹۷ وص ۵۰۲. فرهنگ- در هردو جای- این سخنرانی را به روز سیزدهم ماه اپریل ذکر می کند که اشتباه به نظر می رسد.

۲۵- غبار، جلد اول، ص ۷۵۲.

۲٦- این معاهده، به روز ۲۱ماه مارچ سال ۱۹۰۵میلادی، بین امیر حبیب الله ولویس ویلیم دن، دبیر امورخارجهٔ هند بریتانیایی، درکابل به امضاء رسید. در این معاهده آمده است: "اعلیحضرت موصوف (امیر حبیب الله) موافقت دارد که درکلیات وجزئیات معاهدهٔ مربوط به معاملات خارجی وداخلی ودیگر تشبثات که پدر مغفور من، ضیاء الملته والدین، باحکومت بهیهٔ برتانیه نموده من نیز عمل نموده ام، عمل می کنم وعمل خواهم کرد وبرخلاف هیچ یک از آن وعده ها ومعامله ها اقدام نخواهم کرد."

متن کامل این معاهد را، در صفحهٔ ۲٤۲ کتاب آدمک می توان خواند.

۲۷- غبار، جلد اول، ص ۷۵٦.

۲۸- فرهنگ، جلد اول، ص ۵۰۲.

۲۹- متن این یادداشت در صفحات ۲۷۹-۲۹۲ کتاب آدمک آمده است. این یاد داشت که- برخلاف یاداشت "راول پندی" مفصل ودقیق نگاشته شده است، پنج ماده را در برمی گیرد ومادهٔ چارم آن سیزده جزء دارد. در بخشی از این یاد داشت (مادهٔ دوم) می خوانیم: "حکومت برتانیه آماده خواهد بود این مفهوم را تکرار کند که تمامیت واستقلال افغانستان را- چه از نگاه داخلی وچه از نقطهٔ نظر خارجی- باتمام معنی کلمه، احترام گذارد وباتمام توانایی سعی می کند که تمام آن اشخاصی که در داخل قلمرو برتانیه زنده گی می کنند ومی خواهند علیه حکومت افغانستان، کردار ناهنجاری بنمایند، جلوگیری به عمل آورد."

در این یاد داشت- همچنان- گفته شده است که بریتانیا حاضر است- تحت شرایطی- در چند زمینه به افغانستان کمک کند. از جمله: دادن "مشورهٔ تخنیکی در بارهٔ تأسیس بانک حکومتی یاتجارتی وامکان انکشاف سیستم کریدت تجارتی در افغانستان."

نام محلی را که این مذاکرات در آن جا برگذار شد، غبار وفرهنگ هردو "منصوری" نوشته اند، اما، آدمک آن را "موسوری" می گوید. شایسته خواهد بود که نام درست ودقیق این محل- که باتاریخ معاصرمان گره خورده است- شناخته شود.

۳۰- متن این معاهده را غبار (جلد اول ص ۷۷۹- ۷۸۲) ونیز آدمک ص ۲۵۲- ۲۵۹ آورده اند. ضمیمه های دوگانه این معاهده را هم در کتاب آدمک ص ۲۵۹- ۲٦۳ می توان خواند.

۳۱- فرهنگ، جلد اول، ص [illegible]

احکام جزا در اسلام

سقوط حدود به شبهات

سیدناصر تقدسی

از آن جایی که حد از جملۀ عقوبت هایی است که به جسم وآبروی انسان خدشه می زند، ولطمه زدن برآبرو وجسم انسان هم از لحاظ شریعت اسلامی ممنوع وحرام قرار گرفته است، لذا دین مقدس ما، برای اثبات جرایم حدود، دلایلی قوی مطالبه کرده است که هیچ گونه شک وشبهه یی در آن، راه نداشته باشد. وبرای اقامۀ آن نیز شرایطی دشوار را منظور فرموده است، تا از حق تلفی هایی که در نظام وضعی بشر صورت می گیرد جلوگیری بعمل آمده باشد، واز این رواست که ورود هر گونه شک وشایبه یی در شواهد اثبات حدود، منجر به سقوط حدود می گردد. چنان که پیامبر «صلی الله علیه وسلم» می فرماید: «إدرأوا الحدود عن المسلمین ماإستطعتم، فإن كان له مخرج فخلوا سبیله: فان الإمام لأن یخطئ فی العفو خیر له من أن یخطئ فی العقوبه» یعنی: تاجایی که توان دارید حدود را از مسلمانان دفع کنید، اگر راهی برای- رهایی یک مسلمان- وجود داشت، رهایش نمایید: زیرا که امام- متولی حکومت- اگر در عفو به خطا برود، بهتر از آن است که در عقوبت به خطا رود.

ابن منذر می گوید: همه دانشمندان اتفاق دارند براین که حدود، به شبهات ساقط می گردد، بنابراین کسی که مرتکب زنا وسرقت می گردد ویاشراب می نوشد، در حالی که از حرمت این اعمال، بنابراسباب ویژه یی، ناآگاه است، حد بروی نافذ نمی شود.

شبهات وانواع آن:

دانشمند شهیر معصری سید سابق- رحمه الله- درکتاب ارزشمند خویش «فقه السنه» رای مذهب شافعی واحناف را در مورد اقسام شبهات ذکر نموده است که بااندکی تصرف وتلخیص یاد دهانی می گردد:

مذهب شافعی شبهه را به سه گونه دسته بندی می کند:

شبه در محل: مانند همبستر شدن، بازن حائض ویاروزه دار.

شبهه در فاعل: چنان که شخصی، بازنی بیگانه، به گمان این که زوجۀ خودش هست، مقاربت می نماید، اما بعداً معلوم می شود که آن زن، زوجۀ وی نبوده است.

شبهه در جهت: به این مفهوم که انسان، اشتباه کند که کاری را انجام می دهد، آیا حلال است یاحرام؟ واین شبهه اساساً از اختلاف فقها، در رابطه به حلال وحرام بودن یک عمل، ناشی می شود.

اما مذهب احناف شبهه را دوگونه می داند:

شبهه در فعل: عبارت از آن است که کسی در حلال وحرام بودن یک کار، اشتباه کند ودلیلی قطعی برحلیت آن موجود نباشد ولیکن شخص دلیلی را مبنی برحلال بودن آن عنوان می کند که در واقع دلیل پنداشته نمی شود.

شبهه در محل: این شبهه را شبهۀ حکمی وشبهۀ ملک نیز نامیده اند که اساس آن را اشتباه در حکم شریعت مبنی برحلیت وحرمت محل یک فعل، تشکیل می دهد. به شرطی که این شبهه، از احکام شرعی نشأت کرده باشد، نه از گمان فاعل، وچنین کار وقتی تحقق می یابد که دلیل شرعی مبتنی برنفی حرمت محل یک عمل وجود داشته باشد.

برپایی حدود از صلاحیت کیست؟

فقهای اسلامی همه متفق هستند که اقامۀ حدود، فقط از صلاحیت فرمان روای مسلمانان ویانمایندۀ وی است، وهیچ کس دیگری حق ندارد، حدود را برکسی برپانماید. امام طحاوی ازمسلم بن یسار روایت می کند که مردی از یاران پیامبر «صلی الله علیه وسلم» می گفت: «الزکاه، والحدود والفیئ، والجمعه، إلی السلطان» یعنی- اخذ- زکات، - برپایی- حدود، - جمع آوری- فیئ، و- اقامۀ- جمعه از آن سلطان- فرمان روای مسلمانان- است.

حدود کفارۀ گناهان:

بسیاری از فقها ودانشمندان مسلمان باور دارند که اقامۀ حدود، گناه مجرم را محو می نماید، وشخصی که بروی حد جاری گردد، در آخرت از بابت همان جرمی که بخاطر آن حد زده شده است به عذاب گرفتار نمی شود، چنان که امام بخاری ومسلم از عباده فرزند صامت روایت می کند که گفت: ما در مجلسی بارسول خدا بودیم که ایشان فرمودند: «بایعونی علی أن لاتشرکوا بالله شیئاً، ولاتزنوا ولاتسرقوا، ولاتقتلوا النفس التی حرم الله إلا بالحق فمن وفی منکم فأجره علی الله، ومن أصاب شیئاً من ذلک فعوقب به فهو کفاره له» یعنی: بامن بیعت کنید براین که به خدا هیچ چیزی را شریک نسازید، زنا ودزدی نکنید، ونفسی را که خدا تجاوز برآن را حرام قرار داده است، نکشید، مگر وی در حق باشد- یعنی کسی را کشته باشد ودر برابر آن قصاص گردد- پس کسی که- به این عهد- وفاکرد پاداش وی برخداست وکسی که چیزی از این- عهد- را نادیده انگاشت، و در برابر آن مجازات گردید، پس همین مجازات محو کنندۀ گناه وی می باشد.

شفاعت در حدود:

پس از آن که موضوع جرایم حدود بطور رسمی به ادارات دولتی می رسد وفرماندار مسلمانان در جریان قضیه قرار می گیرد، هیچ کس وبه هیچ صورتی نمی تواند در این خصوص عذر خواهی وشفاعت نماید، چه این کار، برخلاف مصالح عمومی مسلمانان بوده وراه ارتکاب جرم را در جامعۀ اسلامی باز می نماید وافراد شرور، به انجام جنایت جرأت می یابند.

ولی اگر پیش از رسمیت یافتن قضیه حدود وقبل از واقف شدن فرمان روا، از موضوع جرایم حدود، عده یی ازمسلمانان به شفاعت بپردازند ویاجرم متهم را پوشیده نگهدارند، باکی ندارد وبااصل تسامح که در دین اسلام به رسمیت شناخته شده مغایر نخواهد بود، به شرطی که شخص مجرم، به تکرار جنایت متهم نباشد وبه فساد شهرت نیافته باشد.

مراجع ومآخذ:
صحیح ترمذی
الموسوعه الفقهیه.
فقه السنه.
الفقه الاسلامی وأدلته.
الفقه علی المذاهب الأربعه.

عوامل ثبات و عدم ثبات در...

بگذارد. اما در افغانستان که طی دو دهه مردم آن رنج ومصیبت جنگ را متحمل شده اند، چهارونیم میلیارد دلار برای بازسازی آن وعده داده می شود این خود یک برخورد مأیوس کننده بود.

همچنان طفره رفتن غرب از شناسایی حکومت مجاهدان عاملی دیگر بود برای به وجود آمدن بی ثباتی و عدم استقرار سیاسی در افغانستان.

در دوران ادارۀ مؤقت هم باتأسف کمک اقتصادیی مناسب که از طرف جامعۀ بین المللی به افغانستان انجام می شد، صورت نپذیرفت. این خود باعث عدم ثبات اقتصادی، اجتماعی وسیاسی گردید.

بناءً امروز به عوض اتکا به کمک ها و وعده های روی کاغذ دنیای خارج، برامکانات داخلی وتوانایی ها وظرفیت های داخلی ملت باید اتکا صورت گیرد واگر مابتوانیم همچو مأمولی را در افغانستان تحقق بخشیم بدون شک دنیای خارج ما را به عنوان یک واقعیت خواهد پذیرفت وحاضر به کمک خواهد بود.

□ در بارۀ تدویر لویه جرگه وانتخاب رهبری و نقش آن در ثبات چه می گویید؟

■ لویه جرگه را یک مؤسسۀ ملی که بامقتضیات ملی ومنطقه یی وجهانی سازگار باشد، نمی توان دانست. اما فشار دنیا وفشارهواداران شاه موجب گردید که این اصطلاح متروکه در افغانستان دوباره احیا شود. به هر حال به عنوان یک ضرورت نه به عنوان یک واقعیت لویه جرگه را در افغانستان ناگزیر بپذیریم. دشمنان جهاد ومقاومت می خواستند از این

امروز به عوض اتکا به کمک ها و وعده های روی کاغذ دنیای خارج، برامکانات داخلی وتوانایی ها وظرفیت های داخلی ملت باید اتکا صورت گیرد

مؤسسه علیه مجاهدان وعلیه مقاومت گران استفاده کنند، اما در پایان دراین جرگه، مجاهدان برنده شدند حکومت انتقالی از لحاظ حقوقی مورد توجه حکومت ها ودول جهان قرارگرفت وبدین ترتیب افغانستان از انزوای دیپلوماتیک خارج شد.

به نظر من لویه جرگه یک وسیله یی بوده در دست طبقات حاکم که جمعی از خوانین وافراد وابسته به حکومات را در یک مجمع گرد آورده و حکومت حرف خود را به وسیلۀ آنها به کرسی نشانده اند. اگر قرار باشد که ملت ارادۀ خود را آزادانه تبارز دهد باید انتخابات آزاد تجویز گردد.

چنین توقع برده می شد که مجاهدان زیاد ترین استفاده را ازاین فرصت ببرند اما با تأسف چنین نشد واعتبار ورسوخی را که ملت انتظار داشت که باید اعاده می گردید، باتأسف از دست دادند.

امروز چنین زمینه یی فراهم گردیده است که به عناوین مختلف سران جهاد ومقاومت را به نقض حقوق بشر وفساد اداری وسوء استفاده از قدرت متهم می کنند واین همه زمینه سازی برای بی اعتبار ساختن افراد برای لویه جرگۀ آینده وانتخابات آینده می باشد. واقعاً این سوژه ها، تصادفی نیست. بل همۀ اینها آمادگی هایی است برای خلع اعتبار وخلع صلاحیت وپائین آوردن جایگاه واعتبار مجاهدین در لویه جرگۀ آینده.

□ در مورد قانون اساسی اینده کشور که روند کار آن تا هنوز پایان نیافته است چه فکر می کنید؟

■ قانون اساسی به عنوان قانون مادر وقتی مقبولیت پیدامی کند که جنبۀ تطبیقی پیدا کند. اگر قانون هر قدر زیبا وکامل تدوین گردد ولی جنبۀ تطبیق نداشته باشد، چه فایده؟ ما باید ضمانت اجرایی آن را برای تطبیق وعملی کردن در افغانستان ایجاد کنیم.

اگر می خواهیم قانونی برای مردم افغانستان تدوین کنیم نباید

به نظر من لویه جرگه یک وسیله یی بوده در دست طبقات حاکم که جمعی از خوانین وافراد وابسته به حکومات را در یک مجمع گرد آورده وحرف خود را به وسیلۀ آنها به کرسی نشانده اند. اگر قرار باشد که ملت ارادۀ خود را آزادانه تبارز دهد باید انتخابات تجویز گردد.

از نظر ملت پنهان باشد. امروز در ادبیات سیاسی از شفافیت سخن زده می شود اما چرا در مورد مسودۀ قانون اساسی از شفافیت کار گرفته نمی شود؟

در این پنهان کاری دو انگیزه می تواند نقش داشته باشد: انگیزۀ اولی ملاحظات خارجی است. دنیای خارج می خواهد قانون اساسی لائیک یاسکولار را بر افغانستان تحمیل وتطبیق کند. اما ملت ما آن را نمی پذیرد. اگر چنین قانونی تحمیل گردد، افغانستان یک بار دیگر وارد بحران سیاسی واجتماعی دیگر خواهد شد.

عامل دوم فکتور داخلی است که بازهم از همان عامل بیرونی یاخارجی ناشی می شود.

در قانون اساسی مسایل جنجال برانگیزی وجود دارد که از آن جمله تابعیت دوگانه می باشد. اگر قانون ۱۳۴۳را به عنوان قانون اساسی مؤقت افغانستان بپذیریم وآن را ملاک عمل قرار دهیم، در افغانستان کسانی که تابعیت دوگانه دارند نباید به عنوان زعمای سیاسی افغانستان انتخاب می شدند که این خود نقض قانون۱۳۴۳ افغانستان است. قانون مزبور در مبحث تابعیت صراحت دارد هر فرد افغانستان که تابعیت ثانوی کمایی کند از تابعیت افغانستان محروم می شود. بناءً کسانی که در کابینه دارای تابعیت دوگانه اند، اصلاً از نظر قانون شهروند افغانستان نیستند. چنین احساس می گردد که تلاش وجود دارد که تابعیت دوگانه وحتی چندگانه را به عنوان یک اصل در قانون اساسی آینده بگنجانند. اگر چنین اجباری هم تحمیل شود، تابعیت دوگانه بایدموقوت باشد. برای کسانی که تابعیت افغانستان را از دست داده اند، بعضاً مشکلات خانوادگی را مطرح می سازند، برای این باید یک مدت زمان معین گردد مثلاً پنج سال ده سال یاپانزده سال. در غیر آن تابعیت دوگانه یاچند گانه غیر مؤقت ونامحدود را به ضرر منافع علیای افغانستان می دانم. موضوع دیگر که می خواهم برآن تأکید کنم این که هر قانونی که مغایر اسلام باشد در حکم جریحه دار ساختن عواطف و روان ملت ما خواهد بود. منبع اساسی تقنین در افغانستان دین مقدس اسلام باید باشد وهرقانون ولایحه ومقرره یی که مخالف این اساسات باشد، مردود وغیر قابل قبول خواهد بود.

مصاحبه از فیصل عبدالله

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره ٤٦ چهارشنبه ۹ میزان ۱۳۸۲ ٤ شعبان المعظم ١٤٢٤ – First October 2003

پوهنمل خواجه محمدموسی فریور استاد فاکولتهٔ حقوق وعلوم سیاسی در گفتگویی با مجاهد پیرامون

عوامل ثبات وعدم ثبات در دولت افغانستان

از توافقات بن تا امروز

□ موقف سیاسی دولت از ایجاد ادارهٔ مؤقت تاکنون چه سیری وچه فراز ونشیبی داشته است؟

■ موضوع ثبات وعدم ثبات همیشه یک موضوع نسبی است. نه ثبات مطلق در جهان وجود دارد ونه عدم ثبات مطلق. ما براساس تیوری نسبیت در پیرامون قضایا باید قضاوت کنیم.

در افغانستان حکومت مؤقت من حیث یک ضرورت آمد نه براساس یک واقعیت ویک حقیقت. پروژهٔ طالبان پروژه یی از قبل ساخته وپرداختهٔ اجانب بود وعلیه مجاهدان از آن استفاده شد وقصد شان این بود که نامی از جهاد ومجاهدین در افغانستان باقی نماند. منظور دوم خلع سلاح ملت به بهانهٔ این که سلاح عامل بدامنی در افغانستان است وانگیزهٔ سوم بدنام سازی اسلام ومسلمانان و وارونه جلوه دادن مفهوم حاکمیت یاحکومت اسلامی بود. این ها وظایفی بودند که پروژهٔ طالبان آن را موفقانه انجام داد. واقعهٔ۱۱ سپتامبر نقطهٔ عطفی وچرخشی بود در سیاست دنیای غرب به رهبری امریکا در قبال موضوع افغانستان تاوقتی که دنیای غرب خود صدمه یی بالفعل ندید، متوجه وخامت اوضاع سیاسی افغانستان نگردید.

آنچه در رسانه های جمعی تخمین زده می شود حدود



سی میلیارد دلار برای بازسازی افغانستان به کار است . ورقم ۴،۵میلیارد دلاری که در کنفرانس توکیو برای بازسازی افغانستان وعده شد، سیلی محکمی بود به روی دورهٔ موقت وبعداً حکومت انتقالی اسلامی افغانستان. ماپیامد آن را شاهد بودیم که هیچ گونه تغییری محسوس ومشهود در حیات اقتصادی واجتماعی افغانستان به وجود نیامد.

به گونهٔ مقایسه وقتی امریکا می خواست از ناحیهٔ شمال بر عراق در زمان صدام حسین حمله کند به حکومت ترکیه پیشنهاد همکاری داد. پارلمان آن کشور پس از غور پذیرفت در صورتی که امریکا ۳۰ملیارد دلار کمک بلاعوض را دهد آن کشور حاضر است صرف حریم فضایی خود را در اختیار نیروهای امریکا در جنگ علیه صدام حسین قراردهد. امریکا حاضر بود تاحدود ۱۳تا۱۶میلیارد دلار را در بدل استفادهٔ مؤقت از حریم فضایی ترکیه در اختیار ترکیه

ص۷

از نامه های آمده

ما غوښتل چي دطب محصل شم

دجمعیت اسلامي لـه نشراتي ارگان مجاهد جریدي څخه هیله کوم زما دغه شکایت لیك چاپ کړي

محترما!

ما پـه قندهار کـې ۱۳۸۱ کال کې امتحان د کانکور ورکړي اولین انتخاب زما د قندهار دطب پوهنځي و؛ نومره مې ۲۵۵ وه دوي میاشتي کیږي چه ما وزارت تحصیلات عالي ته عریضه وکړه خو غور چا ونکړ بیا ولاړم ریاست جمهوري ته هیوادمل ته هغه وربـاندي احکـام راکـړل هغه ئي هم و نه مانه بیا ولاړم شهرائي صاحب ته هغه هم احکام راکړي چاونـه منل وروسته اداره اومور ته لاړم هغه هم احکام ورباندي راکړل نو زه دوي دخوست انجنیري پوهنځي ته ورکړي یم. ما عریضه دخپلو حقوقو کړي ده خو ماته خپل حقوق نـه رسیږي زما څخه ۱۰ ډالر غواړي او وزارت ته چي ورشم نو ماته وائي ستا فارسي نـه ده ؤده تـه طب نـه شي ویلای د مظلومانو او بیچارو خبره څوك نه اوري خو زه چي هر چیري تـه ولاړ شم ماته یریږدي زه د ډیرو مشکلاتو سره مخ مخ یم نو زه مجبور شوم خپل اواز ستـاسو لـه لاري اوچت کړم هیله ده لـه ما سره مرسته وشي او مسئول مقامات زما آواز واوري.

محمدهاشم ارزگاني

چرا جلو نا امنی ها گرفته نمی شود؟

ا. روزبه

بلند رفتن گراف واقعات جنایی در کشور طی ماه های اخیر، تشویش وپریشانی باشندگان شهر کابل را نسبت به تأمین امنیت آنان افزایش داده است. وزارت امور داخله باتأیید افزایش واقعات جنایی از تلاش پولیس برای جلوگیری از سرقت های مسلحانه درشهر کابل نیز به مردم اطمینان داده است.

بااین وجود روزی نیست که از سرقت های مسلحانهٔ منازل، ایجاد رعب و وحشت بااستفاده از سلاح، اختطاف وسوء قصد به جان باشندگان شهر کابل و شهرهای دیگر خبری در رسانه های گروهی به نشر نرسد. آنچه تأسف آور ومایهٔ تعجب است که دزدان وغارت گران در روز روشن و در انظار پولیس غالباً پس از ارتکاب جرم فرار می نمایند. در حالی که سعی پولیس برای ردیابی ودستگیری سارقان، بجایی نرسیده است.

در این رابطه وزیر داخله، محترم علی احمد جلالی در کنفرانس مطبوعاتی۳ میزان به گوشه هایی از این واقعات روشنی انداخته به حمایت دزدان از جانب برخی گروه ها، اشاره نمود. وی گفت که حیران هستم چطور در روز روشن در برابر دیدگان پولیس سرقت صورت می گیرد ودزدان فرار می کنند. او بطور ضمنی مهمان های تنظیم ها وهمچنان افراد محافظ قوماندانان ومقامات دولتی را که مسلح اند متهم کرد وگفت در ساحهٔ ناحیهٔ پنج اغلب دزدان از خارج ساحه آمده وپس از ارتکاب دزدی، فرار می کنند. او وعده کرد که برای تأمین نظم وامنیت در ساحه، باقوماندانانی که در آنجا سکونت دارند، مفاهمه صورت گرفته تادر تأمین امنیت کمک کنند. جلالی به جواب خبرنگاری که پرسید آیا قلت معاش پولیس یکی از عوامل دخیل در دزدی ها ونا امنی ها نیست؟ گفت: باشما همنوا هستم هشتصد افغانی که پولیس معاش می گیرد، پولی نیست که حد اقل نیازهای اولیهٔ او را مرفوع سازد.

باتوجه به تعدد واقعات جنایی به نظر می رسد که در شرایط کنونی برخی از انواع جرایم، بیشتر از نوع دیگر در جامعه عمومیت دارد. این جرایم عمدتاً از شمار جرایم علیه اموال، جرایم علیه اشخاص وجرایم علیه عفت است که نه تنها در شهر کابل بلکه در سرتاسر کشور به نحوی بی سابقه رایج گردیده است که نمونهٔ این جرایم را می توان در گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر وگزارش مولیم کوتاری گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل در امور مسکن به وضوح مشاهده کرد. کمیسیون مستقل حقوق بشر۹۳۵ مورد این جرایم را که در طی دوماه صورت گرفته، به ثبت رسانیده است در حالی که صدها موارد دیگر نقض حقوق بشرنیز وجودداشته که بنابرعلل مختلف به سمع کمیسیون رسانیده نشده وطبعاً به ثبت نرسیده است.

از بررسی واقعات جنایی برمی آید که فیصدی بیشتر آن، از شمار جرایم علیه اموال می باشد که به شکل سرقت های مسلحانه صورت می گیرد. و در مرحلهٔبعدی جرایم علیه اشخاص قرار دارد که به شکل اختطاف، سوء قصد، ترور وتهدید مسلحانه واقع گردیده است. جرایم علیه عفت در مرحلهٔ سوم

ص٦

بحران عراق به کجا...

به این ترتیب سخنرانی بوش نتوانست نکات اساسی حل بحران عراق را مورد بحث قرار دهد وازهمین رو مورد استقبال حاضران قرار نگرفت. شاید این نخستین بار باشد که بابیانیهٔ یک رئیس جمهور امریکا در اجلاس سالانهٔ ملل متحد این گونه برخورد سرد می شود.

به هر حال ایالات متحدهٔ امریکا همین اکنون از بابت اشغال عراق به دو مشکل اساسی روبه رواست که حل هرکدام برای آن کشور معضل آفرین خواهد بود یکی مشکل تأمین هزینهٔ عراق است که سالانه بر اساس پیشنهادیهٔ پول برمر حام امریکایی عراق ۷۸ میلیارد دلار بر اساس پیشنهادیهٔ پول بر س پیشبینی شده است وحکومت بوش می خواهد از راه اعمال فشار بر مردم کشورش آن را تهیه نماید که این عمل خود باعث نارضایتی در میان مردم گردیده وامکان شکست بوش وحزبش در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده را فراهم خواهد ساخت.

و دیگری مشکل تأمین امنیت در عراق وگیرماندن نیروهای امریکایی در باتلاق حملات آزادیخواهانهٔ مردم آن کشور می باشد که هر روز قرار آمارهای مؤثق ده ها نفر امریکایی کشته وزخمی ویابیمار می شوند. واین موضوع موجی از اعتراضات مردم امریکا علیه حکومت بوش را به میان آورده است که براساس آن وارثان عساکر امریکایی مستقر در آن کشور از حکومت بوش می خواهند تابستگان شان را دوباره به واشنگتن بازگرداند.

بنا برآن چه گفته آمد، می توان نتیجه گرفت که اوضاع در عراق باگذشت هر روز بحرانی تر می شود واگر مجامع جهانی بااحساس مسؤولیت وارد عمل نشوند عواقب وخیم تری بدنبال خواهد داشت.

کلینک صحی چهلتن پغمان گشایش یافت



یک باب کلینک صحی درچهلتن پغمان به مصرف سی وشش هزار دالر امریکایی اعمار شد. محمد یوسف حفیظی رئیس مؤسسه S.D.R.O گفت: سی هزار دلار هزینهٔ این کلنیک را نیروهای مشترک امریکایی، و شش هزار دیگر را موسسه او پرداخته است این کلنیک هفته گذشته، توسط دکتر عبدالله فهیم رئیس حفظ و مراقبت وزارت صحت عامه افتتاح شد.

این کلینک که دارای پنج اتاق ، آشپزخانه، تشناب و چاه آب می باشد ، گنجایش تداوی بیماران ده روستای اطراف این منطقه را دارد.